

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۷، پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۶۸ تا ۹۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

بررسی آثار اجرای دستورالعمل حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی

پرویز علوی^۱ دانشیار گروه حقوق، گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

حبیب شریفی نویسی^۲ دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

چکیده

یکی از موضوعات اصلی که در زمینه خصوصی سازی و واگذاری بنگاه‌های اقتصادی دولتی به بخش خصوصی باید مورد توجه سیاستگذاران و قانونگذاران قرار گیرد، چگونگی نظام راهبری و حاکمیت شرکتی است. نظام اقتصادی کشور، برنامه حرکت به سمت خصوصی سازی بانک‌ها را از اوایل دهه ۱۳۸۰ با اجازه فعالیت به بانک‌های خصوصی آغاز کرد و با واگذاری بانک‌های دولتی طبق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از سال‌های میانی این دهه ادامه داد. یکی از اهداف عمده این برنامه دستیابی به کارایی بهتر و تلاش بیشتر جهت افزایش بهره‌وری با واگذاری مدیریت بانک‌ها به بخش خصوصی بوده است. بحث حاکمیت شرکتی در پاسخ به برخی مشکلات موجود در مدیریت شرکت‌ها، به عنوان مجموعه‌ای از قواعد حاکم بر روابط مدیران، سهامداران و حساب‌برسان شرکت تعریف شده است که چارچوبی برای هدایت و اداره موثر، کارآمد و صحیح بنگاه‌های اقتصادی، در جهت حداکثرسازی منافع سهامداران ایجاد می‌کند. حاکمیت شرکتی در صنعت بانکداری دارای چهار رکن انصاف، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت پذیری است که در تمام چارچوب‌ها فارغ از تنوع ساختار فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی کشورها قابل طرح است. این پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی، به بررسی آثار اجرای دستورالعمل حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی می‌پردازد. با نگاه به این مسئله که حاکمیت شرکتی در صنعت بانکداری کشور در چه وضعیتی قرار دارد و با توجه به اجرای برنامه خصوصی سازی چه قواعد و سازوکارهای جدیدی می‌تواند بر کارایی نظام حاکمیت شرکتی کشور بیفزاید.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، آثار اجرای دستورالعمل حاکمیت شرکتی، صنعت بانکداری، بانک‌های خصوصی.

^۱ drparvizalavi@yahoo.com

^۲ نویسنده مسئول: shariftha1365@yahoo.com

مقدمه

نظام بانکداری ایران در شرایطی دهه چهارم فعالیت خود را سپری می‌نماید که بر اساس شاخص‌های مختلف اقتصادی و مالی و با وجود تلاش‌هایی مستمر سیاست‌گذاران دچار ناکارایی محسوس می‌باشد، همچنین در بانک‌های خصوصی مواجهه با حجم قابل توجه تسهیلات اعطایی غیر جاری، درگیر شدن بانک‌ها در امر بنگاه داری، سهم قابل توجه دارایی‌های سمی (دارایی‌های با نقدشوندگی پایین همچون مطالبات معوق، املاک تملیکی و...) در ارقام ترازنامه بانک‌ها، ناچیز بودن نسبت کفایت سرمایه، پایین بودن درجه شفافیت نظام بانکی در بانک‌های خصوصی و عدم تأمین منافع واقعی سپرده‌گذاران، بخشی از مجموعه ناکارآمدی‌های نظام بانکی ایران می‌باشد (طالبی، ۱۳۹۵: ۳۲). در این راستا قوانین اثرگذاری شدیدی بر عملکرد بانک‌ها دارند. قوانین با جهت‌دهی‌های خود مسیر و میزان فعالیت‌های بانکی را تحت تاثیر قرار داده و بر منافع ذینفعان اثرگذاری می‌نمایند. قوانین نظارتی و بازرسی از جمله مهم‌ترین قوانینی هستند که تضمین‌کننده ایفای حقوق ذینفعان بشمار می‌آیند؛ اگر این دسته از قوانین از ضعف و نواقص زیادی برخوردار باشند، احتمال تضییع حقوق ذینفعان بالا می‌رود. از سوی دیگر وجود و اجرای قوانین دقیق نظارتی و بازرسی منجر به آن می‌شود که مدیران بانک‌ها در قبال سهامداران، سپرده‌گذاران و مشتریان با دقت و ملاحظه بیشتری فعالیت کرده و از این رو منافع گسترده‌تری را برای تمامی ذینفعان ببار آورد. حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است از جمله رسیدن به حداکثر سودآوری و کارایی و حداقل فساد و سوءاستفاده از قدرت و فراهم کردن نظام پاسخگویی مدیریتی.

اگرچه بانک مرکزی ج.ا.ا. در راستای اجرای حاکمیت شرکتی رهنمودهایی را در خصوص نظام کنترل داخلی و مدیریت ریسک به بانک‌ها ابلاغ کرده است، لیکن به دلیل نبود دستورالعمل مدونی مبتنی بر استانداردهای جهانی و هیات خدمات مالی اسلامی، حاکمیت شرکتی جایگاه خود را در بین بانک‌ها و موسسات مالی خصوصی پیدا نکرده است، از سوی دیگر، نظام حاکمیت شرکتی در ایران موضوع نسبتاً جدیدی است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و اقداماتی در جهت اجرایی نمودن ابعاد مختلف آن به صورت غیرمنسجم در بازار پول و سرمایه کشور صورت پذیرفته است. بدین روی، هدف اصلی این پژوهش شناسایی چالش‌های موجود و آثار و ارایه ویژگی‌های نظام حاکمیت شرکتی مؤثر (مطلوب) در نظام بانکی ایران و بانک‌های خصوصی می‌باشد است.

از این رو در پژوهش حاضر که نخستین پژوهش از سلسله تحقیقات با محوریت حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری خصوصی از نویسندگان این اثر خواهد بود ابتدا با هدف تبیین ضرورت استقرار حاکمیت شرکتی به شکل اختصاری به آسیب شناسی نظام بانکداری بدون ربای ایران پرداخته می‌شود، در ادامه با هدف تبیین اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی و ضرورت تحقق حقوق کلیه ذینفعان بانکی به پیامدهای ناگوار عدم بهره‌مندی نظام بانکی برخی کشورها از نظام حاکمیت شرکتی بهینه پرداخته می‌شود و در پایان با بهره‌گیری از مباحث مطروحه بر الزام

استقرار نظام حاکمیت شرکتی بهینه در بانک‌های خصوصی با لحاظ نمودن ویژگی‌های نظام اقتصادی ایران پیش از اعمال سیاست‌های تسهیل پولی و یا تخصیص منابع از سوی دولت جهت افزایش سرمایه بانک‌ها که با هدف افزایش توان تسهیلات دهی در حال سیاست‌گذاری است تأکید می‌شود.

از دیاد حجم فعالیت موسسات مالی خصوصی با روی کار آمدن ابزارهای مالی جدید، گستردگی ارتباطات و دسترسی به بازارهای جهانی، افزایش میزان سرمایه‌های انباشته شده در این بانک‌ها قابل توجه بوده و همین امر بر پیچیدگی فعالیت‌ها افزوده و امکان تخلف و تعدی از مسیر اهداف بانک‌های خصوصی را افزایش می‌دهد. همچنین افزایش تعداد ذینفعان در یک فعالیت اقتصادی امکان این نوع تعدی‌ها را بیش از پیش محتمل می‌گرداند. با گسترش تعداد ذینفعان در بانک‌های خصوصی و بالتبع آن افزایش روابط بین افراد به شکل شبکه تار عنکبوتی، مسلماً تأمین منافع کلیه ذینفعان دشوارتر میشود. با توجه به گستردگی مسائل فوق، حاکمیت شرکتی ضعیف در یک سازمان ممکن است به از دست رفتن اعتماد عمومی نسبت به آن سازمان منجر شود. اگر این سازمان یک بانک خصوصی باشد، ضعف حاکمیت شرکتی آن بانک را با حجم مطالبات وصول نشده و بدهی‌های پرداخت نشده‌ای که منجر به ایجاد یک فضای نااطمینان برای مشتریان و سهامداران آن بانک و یا حتی بانک‌های دیگر می‌شود، مواجه می‌کند. ایجاد فضای نااطمینان نسبت به آینده در اثر عدم پرداخت بدهی‌ها توسط وام گیرندگان، که گاهی با ترویج یافتن شایعات به یک حرکت عظیم دسته جمعی منتهی می‌شود، قادر است وضعیت را به صورتی رقم بزند که بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری خصوصی، خود را مواجه با خیل انبوه بدهی‌های نکول شده ببینند و این خود میتواند شروعی بر یک بحران بزرگ باشد. (ندری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵)

از جهت دیگر گسترش حجم اطلاعات نامتقارن بین طرف‌هایی که در یک فعالیت اقتصادی دور هم جمع شده‌اند. یکی از مهم‌ترین عللی می‌باشد که لزوم حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی را برای ما قابل توجیه می‌کند. البته لازم به ذکر است که حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی صرفاً به بانک‌های خصوصی و سپرده گذار خلاصه نمی‌شود، بلکه نقش گیرندگان تسهیلات مشارکتی و شکاف‌های مدیریتی، تخصصی و مالکیتی بیشتر از مورد قبلی به عدم تقارن اطلاعات دامن زده و ضرورت حاکمیت شرکتی در این موسسات مالی را نمایان می‌سازد.

با توجه به مطالب بیان شده و همچنین با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های کلی اجرای این قانون که تأکید بر افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه‌ها به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت، توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آنها در جهت رقابت در بازارهای بین‌المللی دارد و اینکه در آینده‌ای نزدیک بانک‌های خصوصی نقش پررنگتری را در اقتصاد ملی ایفا می‌کنند که در نتیجه این امر بر اهمیت لزوم اجرای دستورالعمل حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی بیش از پیش تأکید می‌کند.

در این پژوهش ضمن بررسی آثار دستورالعمل حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی درصدد پاسخگویی به سوالات ذیل نیز می‌باشیم که عبارتند از:
-در نظام حقوقی ایران اصول حاکمیت شرکتی والزامات قانونی پیرامون نظارت بر مدیریت شرکت‌ها و نظارت بر پرداخت سود توسط بانک‌ها چگونه پیش بینی گردیده است؟
-آیا اجرای دستورالعمل حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی از جرایمی نظیر فساد مالی، کلاهبرداری و غیره در این موسسات مالی جلوگیری می‌کند؟

-حاکمیت شرکتی خوب چه نقشی در توسعه بخش مالی در بانک‌های خصوصی ایفا می‌کند؟
در مورد تاثیر حاکمیت شرکتی در شرکت‌های تجاری همچون بورس اوراق بهادار تحقیقات فراوانی صورت گرفته است. همچنین در مورد عملکرد بانک‌ها و یا بانکداری اسلامی و یا پژوهش‌های مرتبط با حاکمیت شرکتی و بانک‌ها و شعبات آن تحقیقات محدودی انجام شده است مانند تحقیق ارمینا و ماریا^۱ (۲۰۱۰) که به بررسی رابطه بین عملکرد بانکی و حاکمیت شرکتی در بانک‌های اروپایی و آمریکایی و استرالیا و ژاپن پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که یک رابطه منفی قابل چشم پوشی بین عملکرد بانکی و حاکمیت شرکتی برقرار است، اما بین عملکرد بانکی و اهرم مالی و رشد اقتصادی رابطه مثبت و قوی وجود دارد. همچنین این مقاله حاکی از آن است که رابطه مثبت بین سهامداران داخلی و عملکرد بانکی وجود دارد که بیانگر این است که هر چه سهام بیشتر توسط کارمندان داخلی بانکی و هیأت مدیره و سهامداران بزرگ نگهداری شود، عملکرد بانک بهتر خواهد بود. همچنین آلن و همکاران^۲ (۲۰۱۱)، ارتباط بین حاکمیت شرکتی و وجود ثبات در سیستم بانکی را برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا بررسی کرده‌اند. برای این منظور ارتباط بین بانک‌های مادر و شعبه‌های آنها در کشورهای دیگر بررسی شده اند. بسیاری از شعب خارجی دارای نقدینگی بالاتر نسبت به بانک‌های داخلی کشور میزبان بوده‌اند که با انتقال وجوه خود به کشور مادر باعث ایجاد بی ثباتی در سیستم بانکی کشور میزبان شده‌اند. بررسی نشان می‌دهد که فقدان مقررات حاکمیت شرکتی مناسب که از بازار مالی کشور میزبان حمایت نماید باعث ایجاد چنین بحرانی می‌شود.

و در پژوهش‌های داخلی می‌توان به سیف ولی الله (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران اشاره نمود که به بررسی چالش‌ها و انتظارات به بررسی استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران پرداخته و بیان می‌نماید که از آنجا که اصول حاکمیت شرکتی در ایران موضوع نسبتاً جدیدی است که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، از انسجام لازم برخوردار نبوده و به صورت غیرمتمرکز دستورالعمل و آیین نامه‌هایی -که بخش‌هایی از این اصول را در بر می‌گیرد- تدوین و ابلاغ شده است. بنابراین، خلأهای قانونی و آیین‌نامه‌ای در این زمینه کاملاً مشهود است. و اصلاح و به روز نمودن قوانین و مقررات کشور به ویژه مقررات قانون تجارت، قانون پولی و بانکی و نیز قانون عملیاتی پولی و بانکی کشور در اجرای هرچه بهتر حاکمیت شرکتی

^۱ Ermina and maria

^۲ Allen et al

در نظام بانکی ایران موثر است. و در پژوهشی دیگر، تقوی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها در دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۰ پرداختند. در مطالعه آنها ساختار مالکیت بانک‌ها به عنوان متغیر مستقل از جنبه مالکیت دولتی، مالکیت خصوصی و مالکیت خارجی بررسی شده است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که مالکیت دولتی بانک‌ها اثر بزرگتری بر افزایش مطالبات معوق نسبت به مالکیت خصوصی دارد، اما مالکیت خارجی نسبت به سایر انواع مالکیت‌ها از نظر نسبت‌های سودآوری بانکی بهتر عمل می‌نماید.

۱- مفهوم حاکمیت شرکتی و اهمیت حاکمیت شرکتی

۱-۱- مفهوم حاکمیت شرکتی

در متون نظری هیچ تعریف مورد توافقی در مورد حاکمیت شرکتی وجود ندارد، اما این مفهوم در دهه ۱۹۹۰ میلادی وارد متون اقتصادی و مدیریتی جهان شد. در تعریف این اصطلاح در کشورهای مختلف، تفاوت‌های زیادی وجود دارد. حتی در یک کشور، مثل آمریکا یا انگلستان نیز رسیدن به تعریف واحد کار چندان آسانی نیست. بنابراین، تعاریف ارائه شده برای حاکمیت شرکتی متنوع است.

در کل، حاکمیت شرکتی، مجموعه‌ای از فرآیندها، عرف‌ها، سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و قوانین و مقرراتی است که با استفاده از سازوکارهای درون سازمانی و برون سازمانی، نحوه هدایت، مدیریت و کنترل شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حاکمیت شرکتی همچنین شامل ارتباطات میان ذی‌نفعان شرکت و اهدافی است که شرکت برای دستیابی به آنها فعالیت می‌کند. از بعد حقوقی، هدف از حاکمیت یا راهبری شرکتی، جلوگیری از بی‌انضباطی در فعالیت مدیران شرکت‌ها است. حاکمیت شرکتی کارکردی نزدیک با مدیریت ریسک داشته، و در واقع، مجموع اقدامات پیشگیرانه است. راهبری شرکتی تعیین کننده ساختاری است که به موجب آن، اهداف سازمان، تدوین و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد، مشخص می‌شود.

۱-۲- اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها

بانکداری و بخش مالی از سایر بخش‌ها و صنایع از بسیاری جهات متفاوت بوده و همین تفاوت‌ها باعث شده است که اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها مهم‌تر از سایر صنایع و بخش‌ها باشد، برخی از این تفاوت‌ها عبارتند از:

- برخلاف نهادهای تجاری معمولی که سرمایه‌شان از طریق وجوه سهامداران تامین می‌شود، فعالیت بانک‌ها شامل وجوهی می‌شود که عمدتاً از سپرده‌ها تشکیل شده و این امر باعث می‌شود مسئولیت امانتداری بیشتری متوجه بانک‌ها و مدیرانشان باشد؛ چراکه وجوه سپرده‌گذاران باید به مناسب‌ترین گزینه‌های سرمایه‌گذاری تخصیص یابد.

- نبود حاکمیت شرکتی در بانک‌ها می‌تواند نظام مالی را بی‌ثبات کرده و ریسک‌هایی نظام یافته بر اقتصاد تحمیل کند؛ چراکه این بانک‌ها هستند که تعیین می‌کنند کدامیک از کاربران نهایی منابع

مالی را دریافت کنند و ابزارهای پرداخت مربوطه را در این زمینه فراهم می‌کنند. در واقع ریسک نظام یافته به این دلیل به وجود می‌آید که بانک‌ها معمولاً انگیزه دارند ریسک‌های مالی را در سطح پایین قیمت‌گذاری کنند (به عنوان مثال، اعطای تسهیلات پر ریسک)؛ زیرا نمی‌خواهند هزینه‌های اجتماعی فعالیت‌های ریسک‌دار را خود متحمل شوند. این‌گونه ریسک‌ها سرانجام باعث ایجاد کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به بخش بانکی (هجوم مردم) و بحران بانک خواهد شد.

-بانک‌ها باید از دید سپرده‌گذاران مسوول و معتبر باشند (به بیان دیگر، بانک‌ها باید خود را در مقابل ریسک‌های شهرت حفاظت کنند) تا بتوانند ریسک احتمالی هجوم سپرده‌گذاران به بانک برای برداشت سپرده‌هایشان را مدیریت کنند. به عبارت دیگر، با توجه به نسبت بالای بدهی به دارایی و تفاوت در سررسید بدهی‌ها (مانند اکثر سپرده‌ها) و دارایی‌هایش (مانند تسهیلات بلندمدت)، بانک‌ها نمی‌توانند هر موقع که بخواهند تسهیلات اعطایی خود را از تسهیلات گیرندگان مطالبه کنند، لیکن سپرده‌گذاران در هر زمان می‌توانند سپرده‌های خود را مطالبه کنند که این مساله باعث می‌شود نسبت به سایر بنگاه‌ها با ریسک بالاتری مواجه باشند.

-ترازنامه بانک‌ها غیرشفاف‌تر از ترازنامه سایر موسسات غیرمالی است. کیفیت دارایی‌های اصلی بانک (یعنی تسهیلات) اغلب غیرشفاف است؛ چراکه کیفیت تسهیلات به راحتی قابل مشاهده نیست، در حالی که کیفیت دارایی‌های شرکت‌های صنعتی، به خصوص دارایی‌های فیزیکی مانند ماشین‌آلات ملموس‌تر است. سایر دارایی‌هایی که بانک در آنها سرمایه‌گذاری می‌کند نیز دارای چنین ویژگی است، مانند اوراق بهادار، اوراق بهادار با پشتوانه دارایی‌ها و تعهدات بدهی وثیقه‌دار. در واقع، بحران مالی در پاییز ۲۰۰۸ تا حد زیادی به دلیل چنین پیچیدگی‌هایی به وجود آمد. به عبارت دیگر نامتقارن بودن اطلاعات در بانک‌ها بسیار بیشتر از سایر بنگاه‌ها است. در این شرایط، بسیاری از ذی‌نفعان انگیزه بسیار کمی برای نظارت بر عملکرد بانک‌ها دارند.

-بانک‌ها به عنوان واسطه‌های مالی از طریق وام‌دهی و سرمایه‌گذاری وجوه تجهیز می‌شوند و با تامین وجوه فعالیت‌های اقتصادی سایرین فعالیت می‌کنند. با توجه به نقش کلیدی بانک‌ها در اقتصاد تمامی کشورها، لزوم حاکمیت شرکتی قدرتمند برای بانک‌ها بیش از پیش آشکار می‌شود. -بانک‌ها نمایندگان نظام پرداخت هستند که پرداخت را در سطح ملی و بین‌المللی از طریق ابزارهای مختلفی مانند: حساب‌های بانکی، انتقال وجوه، کارت‌های اعتباری و غیره تسهیل می‌بخشند.

-بانک‌ها موسساتی با اهرم مالی بالا هستند: یعنی آنها با پولی که از سپرده‌گذاران دریافت کرده‌اند، اقدام به اعطای تسهیلات می‌کنند و باید در برابر سپرده‌گذاران مسوول باشند. در واقع، با توجه به حاشیه سود ناشی از اعطای تسهیلات، سود بانک مستقیماً متناسب با حجم تسهیلات‌دهی آن افزایش می‌یابد. لیکن از سویی، افزایش تسهیلات‌دهی باعث افزایش احتمال نکول می‌شود؛ بنابراین، در یک سطح مشخصی از سرمایه، سرمایه بانک‌ها برای ایفای تعهداتشان در مقابل سپرده‌گذاران کاهش خواهد یافت و ریسک کفایت سرمایه آنها افزایش می‌یابد.

به دلیل اهمیت نظام یافته بانک‌ها از یک سو و آسیب‌پذیر بودنشان از سوی دیگر، بانک‌ها تحت مقررات و نظارت‌های شدیدی قرار دارند. مقررات بانکی میزان ریسکی که بانک می‌تواند بپذیرد و همچنین اکسپوژر بانک را به یک مشتری یا یک گروه خاص از مشتریان محدود کرده و با وضع استانداردهایی برای مدیریت نقدینگی، ریسک ناشی از عدم دسترسی به نقدینگی کافی را مورد توجه قرار می‌دهد.

۲- حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران

نظام بانکداری ایران در شرایطی دهه سوم فعالیت خود را سپری می‌نماید که بر اساس شاخص‌های مختلف اقتصادی و مالی و با وجود تلاش‌هایی مستمر سیاست‌گذاران دچار ناکارایی محسوسی می‌باشد، مواجهه با حجم قابل توجه تسهیلات اعطایی غیر جاری، درگیر شدن بانک‌ها در امر بنگاه داری، سهم قابل توجه دارایی‌های سمی دارایی‌های با نقدشوندگی پایین همچون مطالبات معوق، املاک تملیکی و... در اقلام ترازنامه بانک‌ها، ناچیز بودن نسبت کفایت سرمایه، پایین بودن درجه شفافیت نظام بانکی و عدم تأمین منافع واقعی سپرده‌گذاران، بخشی از مجموعه ناکارآمدی‌های نظام بانکی ایران می‌باشد. (طالبی، ۱۳۹۵: ۲۴)

بررسی سیر تاریخی نظام بانکی سایر کشورها نشان می‌دهد که چالش‌های برشمرده فوق، مختص نظام بانکی ایران نبوده و بسیاری از نظام‌های بانکی موفق کنونی توانسته‌اند با استفاده از سیاست‌های اصلاحی بهینه از جمله استقرار حاکمیت شرکتی درجه کارایی خود را به تدریج بالا برده و در عمل در زمینه تأمین مالی بهینه و به تبع آن رشد مطلوب و مستمر اقتصادی را به وجود آورند.

موضوع حاکمیت شرکتی نخستین بار در کنفرانس ملی بازار سرمایه، موتور محرکت توسعه اقتصادی ایران توسط دانشگاه علامه طباطبایی در ۷ و ۸ آذر ماه ۱۳۸۳ در مرکز همایش‌های رازی برگزار شد. در پی آن، در اواخر سال ۱۳۸۳ مرکز تحقیقات و توسعه بازار سرمایه سازمان بورس اوراق بهادار دست به انتشار ویرایش اول آئین نامه حاکمیت شرکتی زد که در پایگاه اطلاع رسانی بورس اوراق بهادار در دسترس است. این آیین‌نامه در ۲۲ ماده و دو تبصره تنظیم شده و شامل تعریف‌ها، وظایف هیات مدیره، سهامداران، افشای اطلاعات پاسخگوی و حسابرسی است. این آیین‌نامه با توجه به ساختار مالکیت و وضعیت بازار سرمایه و با نگرش به قانون تجارت حاضر تنظی شده و با بشم درون سازمانی رابطه‌ای حاکمیت شرکتی سازگار است. (حساس یگانه، ۱۳۸۵: ۱۳) در سال‌های اخیر در بانک مرکزی کشور نیز مطالعات بسیاری در خصوص حاکمیت شرکتی صورت پذیرفته است که در برخی از موارد بخش‌های از اصول حاکمیت شرکتی به نظام بانکی کشور به صورت بخشنامه و دستورالعمل‌هایی ابلاغ شده که می‌توان از ابلاغ مجموعه رهنمودهایی برای نظام مؤثر کنترل داخلی در موسسات اعتباری در سال ۱۳۸۶ نام برد که در آن بر ایجاد دو رکن حسابرسی و مدیریت ریسک تأکید شده است. همچنین در سال ۱۳۸۷ گزارش راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکداری ایران منتشر گردیده است. در سال

۷۵ بررسی آثار اجرای دستورالعمل حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی (پرویز علوی، حبیب شریفی نویسی)

۱۳۹۵ پیش نویس دستورالعمل حداقل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در موسسات اعتباری غیردولتی توسط بانک مرکزی تهیه شده که این پیش‌نویس در راستای پاسخگویی به یکی از مهمترین چالش‌های نظام بانکی در ایران یعنی چالش‌ها و خلاءهای قانونی در خصوص استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌هاست.

بنابراین می‌توان بیان نمود که علی‌رغم اهمیت بسیار زیاد استقرار حاکمیت شرکتی در کشور و رفع مشکلات زیر ساختی در بانک‌ها و همچنین توجه به این مقوله در نظام بانکداری دنیا، مقوله حاکمیت شرکتی با اهدافی همچون اصلاح قواعد درون سازمانی بانک‌ها، توجه به حشرق ذینفعان و اقشار شفافیت جایگاه لازم و مناسبی را در بین قوانین و مقررات کشور ندارد و همچنین نگاهی به وضبت نظام بانکی و عملکردهای بانک‌های خصوصی کشور حاکی از آن است که قواعد، مکان‌ها و اصول حاکمیت شرکت در جهت تحقق اهداف ذکر شده، رضایت بخش و مطلوب نیست. دلیل اثبات این ادعا نیز وجود مشکلات عدیده در حوزه‌های متعدد مربوط به حاکمیت شرکت همچون عدم شفافیت، کارایی عملکرد پایین بانک‌ها، تخصیص غیر کارای منابع، نبود مدیریت ریسک کار آمد، حسابرسی غیراثربخش، انتصابات غیر تخصصی در بین مدیران بانکی، عدم تأمین حقوق سپرده‌گذاران و سایر ذینفعان است که بر آمده از مشکلات و خلاءهایی است که در بالا ذکر گردید. (شهبازی غیائی و همکار، ۱۳۹۵: ۱۱) در بانک‌های ایرانی، چه خصوصی و چه دولتی، به طور مجزا کدهای کسب و کار و کدهای رفتاری در جهت پیشگیری و مدیریت انواع ریسک تدوین شده است و هر بانکی با توجه به تجربه و تخصص گروه تدوین کننده مسائلی را پیش بینی کرده است. از نظر قوانین، مفهوم حاکمیت شرکتی در حقوق تجارت ایران، نوین است، ولی ابزار و راهکارهای آن همیشه وجود داشته است حقوق بانکی به عنوان شاخه‌ای از حقوق تجارت نیازمند شناخت سازوکارهای حاکمیت شرکتی برای اعمال آن در مناسبات بانکی است.

۱-۲- نقش حاکمیت شرکتی در عملکرد بانک‌های خصوصی

حاکمیت شرکتی مجموعه‌ی سازوکارهای هدایت و کنترل شرکت‌ها است. نظام حاکمیت شرکتی مجموعه دستورالعمل‌ها، ساختارها، فرآیندها و هنجارهای فرهنگی است که شرکت‌ها با رعایت آنها به اهداف شفافیت در فرآیندهای کاری، پاسخگویی در مقابل ذینفعان و رعایت حقوق ایشان دست خواهند یافت. ساز و کارهای حاکمیت شرکتی باعث کم شدن مشکلات نمایندگی در شرکت‌ها می‌شود. کیفیت این ساز و کارها نسبی بوده و از شرکتی به شرکت دیگر متفاوت است. (مشایخ و همکار، ۱۳۸۵: ۲۵) ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر اطلاعات افشا شده توسط شرکت برای سهامداران آن اثر می‌گذارند و احتمال عدم افشای کامل و مطلوب اطلاعات و افشای اطلاعات کم اعتبار را کاهش می‌دهند.

موضوع حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی به ویژگی‌های مدیران، ترکیب اعضای هیات مدیره و انگیزه‌های مالی و سایر انگیزه‌ها برای همسو کردن فعالیت‌های افراد دارای نقش کلیدی با منافع سهامداران بستگی دارد. ممکن است مدیران ارشد از میان سهامداران اصلی انتخاب شده و یا فردی استخدام شده به غیر از سهامداران باشند. بیشتر مدیران بانک‌های خصوصی در ابتدا از

سهامداران اصلی انتخاب می‌شوند، در صورتی که سهامداران تجربه‌ی کافی در مورد هدایت عملیات روزمره بانک نداشته باشند و یا وقت کافی برای این کار نداشته باشند استخدام مدیران حرفه‌ای لازم خواهد بود.

مدیران حرفه‌ای شخص متخصص مورد نیاز برای هدایت مناسب فعالیت‌های بانک هستند. اما مدیران استخدام شده ممکن است بنا به دلایل مختلف از جمله نحوه انتخاب و انتصاب آنان، لزوماً انگیزه‌ای برای حداکثرسازی ثروت سهامداران نداشته و رفتار مدیر استخدام شده الزاماً در جهت تحقق منافع سهامداران نباشد.

حاکمیت شرکتی از طریق سازوکارهای برونی و درونی بر عملکرد واحدهای تجاری مؤثر بوده و ساز و کاری برای حفظ منافع ذینفعان بانک است. نظام حاکمیت شرکتی با همسوسازی منافع مدیران و سهامداران به کاهش مسایل نمایندگی در بانک کمک می‌کند. که در فصول آینده این مسئله بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بطور کلی می‌توان بیان داشت که حاکمیت شرکتی سازوکاری است که تلاش دارد از حقوق و منافع ذینفعان دفاع کرده و امکان تضییع حقوق افراد را به حداقل ممکن برساند. در یک موسسه مالی خصوصی ذینفعان زیادی وجود دارند که تلاش دارند به حقی که برایشان می‌باشد دست یابند. حاکمیت شرکتی به مفهوم مجموعه‌ای از فرایندهایی است که اطمینان لازم از اداره امور شرکت در جهت ایفای حقوق و منافع سهامداران، را ایجاد می‌نماید. تأکید حاکمیت شرکتی بر موضوعاتی از قبیل رعایت قوانین و مقررات و ضوابط اخلاقی، شفافیت در گزارشگری مالی و حفظ و مراقبت از دارایی و منافع سهامداران، تصمیم سازی مؤثر به منظور دستیابی به اهداف و امثال آن است، تا بدین ترتیب، شناسایی و ایفای حقوق سهامداران، ایجاد روابط مناسب با تمام سهامداران، ایجاد شفافیت در عملکرد مدیران، افشای مناسب و کامل اطلاعات مرتبط، پاسخگویی مدیران، همسوسازی منافع و حفاظت از حقوق کلیه ذینفعان، بکارگیری ارزش‌های اخلاقی و به حداقل رساندن تضاد منافع ذینفعان، امکان پذیر گردد.

۱-۲- اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی

استقرار حاکمیت شرکتی خوب و بهینه یکی از عوامل اصلی ایجاد و تقویت سلامت در نظام بانکی مدیریت ریسک، نظارت، شفافیت و ترسیم بهینه ارتباطات بین ارکان یک مؤسسه است که حصول به اهداف سازمانی را تسهیل و تضمین می‌کند. بر این اساس «دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیردولتی» که مشتمل بر شانزده فصل و ۱۰۱ ماده و یک تبصره است، در یک‌هزار و دویست و سی و یکمین جلسه مورخ ۱۲.۲.۱۳۹۶ شورای پول و اعتبار به تصویب رسید.

به منظور اصلاح، تکمیل و به‌روز رسانی ساختار حاکمیت شرکتی مؤسسات اعتباری متناسب با استانداردها و رویه‌های پذیرفته‌شده بین‌المللی، تدوین الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیردولتی در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفت، در نهایت «دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیردولتی» با بهره‌گیری از سند «اصول

۷۷ بررسی آثار اجرای دستورالعمل حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی
(پرویز علوی، حبیب شریفی نویسی)

حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها- ویرایش سال ۲۰۱۵» از انتشارات کمیته بال، سند «اصول حاکمیت شرکتی ویرایش سال ۲۰۱۵» از انتشارات سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) و سند «اصول حاکمیت شرکتی برای مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی ویرایش سال ۲۰۰۹» از انتشارات هیأت خدمات مالی اسلامی (IFSB)، تهیه شد.

ضوابط یاد شده که مشتمل بر شانزده فصل و ۱۰۱ ماده و یک تبصره است، در یک‌هزار و دویست و سی و یکمین جلسه مورخ ۱۲.۲.۱۳۹۶ شورای پول و اعتبار به تصویب رسید. خاطرنشان می‌سازد کلیه مؤسسات اعتباری غیردولتی موظف هستند ظرف مدت یک‌سال از ابلاغ این دستورالعمل، ساختار حاکمیت شرکتی خود را مطابق با مفاد دستورالعمل مذکور پیاده‌سازی کرده و گزارش اقدامات انجام‌شده را جهت ارائه به شورای پول و اعتبار به این بانک ارسال کنند.

شایان ذکر است ضوابط مذکور به موجب تبصره (۳) ماده (۱۶) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور که وزارت امور اقتصادی و دارایی را موظف کرده تا ظرف مدت سه سال مطابق دستورالعملی که به تصویب مجمع عمومی بانک‌ها می‌رسد، نسبت به بازسازی ساختار مالی و استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌های دولتی اقدام کند و همچنین با توجه به وضعیت فعلی بانک‌های دولتی از جمله سازوکار تعیین مدیران ارشد آن بانک‌ها و سایر ضوابط قانونی مرتبط با ساختار بانک‌های دولتی، صرفاً برای بکارگیری در مؤسسات اعتباری غیردولتی در نظر گرفته شده است. لیکن می‌تواند به عنوان مبنایی برای تدوین الزامات حاکمیت شرکتی در بانک‌های دولتی موضوع تکلیف مقرر در تبصره (۳) ماده (۱۶) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور قرار گیرد.

با توجه به موارد ذکر شده، بانک مرکزی با ارسال "دستورالعمل الزامات ناظر بر حاکمیت شرکتی در مؤسسات اعتباری غیردولتی" به بانک‌ها، از آنها خواسته است دستورالعمل یاد شده را به قید تسریع به واحدهای ذی ربط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی ابلاغ و ضمن تمهید مقدمات اجرای آن بر حسن اجرای آن نیز نظارت دقیق به عمل آورند.

با این حال برقراری حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی بیش از هر چیز نیازمند سه مولفه اساسی است: قوانین مشخص در زمینه حاکمیت شرکتی، شفافیت عملکرد شرکت‌ها و اختیارات لازم برای نظارت بر اجرای قوانین مرتبط. وجود قوانین یکپارچه و مشخص برای همه بانک‌ها و مؤسسات مالی غیر دولتی، اولین گام برای برقراری حاکمیت شرکتی است. قوانین مدون، حکم پایه‌ای مستحکم را دارد که دو جزء دیگر یعنی شفافیت و نظارت، روی آن بنا می‌شوند. به این ترتیب نبود قوانین و دستورالعمل‌های دقیق و همه جانبه در این زمینه، وجود حاکمیت شرکتی کارا را تقریباً ناممکن می‌کند.

جزء بسیار مهم دیگری که در این زمینه مورد توجه است، شفافیت در عملکرد بانک‌های خصوصی است. عدم وجود شفافیت در عملکرد مالی بانک‌ها باعث خواهد شد تا (علیرغم وجود قوانین مدون) برقراری حاکمیت شرکتی کارایی لازم را نداشته باشد. شفافیت در نظام بانکی به خصوص در انضباط مالی، حسابداری و حسابرسی شفاف، افشای دقیق و به موقع اطلاعات و تعریف دقیق

سهام‌داران و رابطه میان آن‌ها و بانک بازتاب می‌یابد. این در حالی است که در نظام بانکی ایران، شفافیت در نظام بانکی فاصله بسیاری با استانداردهای بین‌المللی دارد. همچنین، پیش‌زمینه‌های لازم برای تبیین روابط ذی‌نفعان بانک‌ها نیز وجود ندارد و بانک‌های خصوصی و دولتی از روندهای افشای اطلاعات متفاوت و ناکافی بهره می‌برند.

آخرین مولفه مهم از الزامات برقراری حاکمیت شرکتی، نظارت بانکی است. در این زمینه نیز مرجع مشخصی با اختیارات کافی برای رسیدگی به تخلفات در این زمینه مشخص نشده است. البته واضح است که بدون تامین دو جزء قبلی و به خصوص بدون وجود قوانین مدون و همه‌جانبه، نظارت هم هر چند تعریف شده و مشخص باشد، کارایی چندانی نخواهد داشت.

۲-۱-۲- تغییر قوانین موثر بر حاکمیت شرکتی در صنعت بانکداری پس از خصوصی سازی

یکی از موضوعات اصلی که در زمینه خصوصی سازی و واگذاری بنگاه‌های اقتصادی دولتی به بخش خصوصی باید مورد توجه سیاست‌گذاران و قانونگذاران قرار گیرد، چگونگی نظام حاکمیت شرکتی است. بیش از دو دهه است که دولتها در سرتاسر جهان به سمت خصوصی سازی واحدهای دولتی حرکت کرده‌اند. در ایران نیز با اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ فرصت مناسبی برای خصوصی سازی، مشارکت بیشتر بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی و در نهایت ایجاد فضای عادلانه برای رقابت فراهم آمده است. باید توجه داشت خصوصی سازی فقط انتقال مالکیت به بخش خصوصی و کمرنگ شدن نقش دولت نیست، بلکه نقش نظارتی و حاکمیت دولت در این زمینه بسیار مهم است. خصوصی سازی به تنهایی هدف نیست بلکه باید ابزاری برای رسیدن به هدف باشد، و هدف همان کارایی بیشتر و توسعه اقتصادی است. صنعت بانکداری ایران پس از یک دوره ۲۰ ساله تجربه بانکداری دولتی یا ملی، از سال ۱۳۸۷ به تدریج شاهد حضور بانک‌های خصوصی در این عرصه بود. ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و همچنین قانون برنامه چهارم توسعه که بر خصوصی شدن بانک‌های - دولتی تأکید داشت نیز باعث شد این فرآیند ادامه یابد. ادامه روند ورود بانک‌های خصوصی به بازار بانکی و همچنین خصوصی سازی چند بانک دولتی، تغییر و تحولاتی را در صنعت بانکداری نوپای ایران به وجود آورد. یکی از مهمترین اهداف به وجود آمدن این تحولات بهبود عملکرد در نظام بانکی است که باید در راستای این هدف، مولفه‌های اقتصادی، حقوقی و مدیریتی صنعت بانکداری نیز به طور متناسب تغییر یابد. یکی از مولفه‌های مهم، حاکمیت شرکتی در صنعت بانکداری است. همزمان و پس از اجرای برنامه خصوصی سازی در صنعت بانکداری کشور، تغییرات ذیل در قوانین موثر بر حاکمیت شرکتی در صنعت بانکداری به ویژه در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ به وجود آمد:

طبق ماده (۵) بانک‌های غیردولتی و مؤسسات مالی و اعتباری و سایر بنگاه‌های واسطه پولی که قبل و بعد از تصویب این قانون تأسیس شده یا می‌شوند و بانک‌های دولتی که سهام آنها واگذار می‌شود صرفاً در قالب شرکت‌های سهامی عام و تعاونی سهامی عام مجاز به فعالیت هستند.

۷۹ بررسی آثار اجرای دستورالعمل حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی
(پرویز علوی، حبیب شریفی نویسی)

طبق ماده (۵) سقف مجاز تملک سهام به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای هر شرکت سهامی عام یا تعاونی سهامی عام یا هر مؤسسه و نهاد عمومی غیردولتی در بانک‌های غیردولتی و مؤسسات مالی و اعتباری و سایر بنگاه‌های واسطه پولی، ده درصد (۱۰٪) و برای اشخاص حقیقی و سایر اشخاص حقوقی پنج درصد (۵٪) تعیین شده است.

طبق تبصره ۱ ماده (۵) اشخاص حقیقی سهامدار در بانک‌های غیردولتی و مؤسسات مالی و اعتباری و سایر بنگاه‌های واسطه پولی و اعضاء خانواده آنها شامل همسر، فرزندان و همسران آنان، برادر، خواهر، پدر و مادر منحصرأ تا سقفی مجاز هستند سهام داشته باشند که نتوانند مشترکاً بیش از یک عضو هیأت مدیره را در این بنگاه‌ها تعیین کنند.

طبق تبصره ۲ ماده (۵) دولت مکلف است با پیشنهاد بانک مرکزی که به تأیید شورای پول و اعتبار می‌رسد، اقدامات قانونی لازم را ظرف مهلت سه ماه در خصوص نحوه تأسیس و اداره بنگاه‌های موضوع این ماده به انجام رساند.

طبق تبصره ۳ ماده (۵) بنگاه‌های غیردولتی موجود موضوع این قانون موظفند ظرف یک سال از تاریخ تصویب این قانون خود را با شرایط این ماده تطبیق دهند.

طبق تبصره ۴ ماده (۵) تعاونی‌های اعتباری قرض الحسنه و صندوق‌های قرض الحسنه‌ای که منحصرأ به امر قرض الحسنه می‌پردازند، از شمول ماده (۵) مستثنی بوده و تابع مقررات خود می‌باشند.

طبق تبصره ۵ ماده (۷) بانک مرکزی به عنوان مرجعی که مجوز یا پروانه فعالیت بانکداری صادر می‌کند، موظف است هر شش ماه یک بار اطلاعات مربوط به مجوزهای صادره و واحدهای فعال در زمینه بانکداری را در اختیار متقاضیان قرار داده و برای اطلاع عموم منتشر کند.

طبق بند «و» ماده (۹) بانک توسعه تعاون با سرمایه اولیه معادل پنج هزار میلیارد ریال از محل حساب ذخیره ارزی توسط دولت تأسیس می‌شود. وزیر تعاون رئیس مجمع عمومی بانک مذکور خواهد بود. صندوق تعاون پس از تأسیس بانک توسعه تعاون با اصلاح اساسنامه به صندوق ضمانت سرمایه گذاری تعاون بدون داشتن حق ایجاد شعبه، تبدیل می‌شود و شعب صندوق با کلیه امکانات، دارایی و نیروی انسانی آن به بانک توسعه تعاون واگذار می‌شود.

طبق بند «الف» ماده ۱۳ دولت مکلف است در شرکت‌هایی که با رعایت ماده (۳) این قانون در بخش دولتی باقی می‌مانند (طبق قانون بانک مرکزی نیز یک چنین شرکت دولتی است) کلیه امور مربوط به سیاست گذاری و اعمال وظایف حاکمیتی را که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب دولت تعیین می‌شود طی دو سال از تاریخ تصویب این قانون از شرکت‌های دولتی منفک و به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی تخصصی ذی ربط محول کند.

طبق تبصره ۲ بند «ب» ماده (۱۳) میزان و چگونگی مالکیت سهام سایر بنگاه‌های اقتصادی توسط بانک‌های تجاری و تخصصی دولتی به پیشنهاد شورای پول و اعتبار به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ولی در هر صورت سرمایه گذاری بانک‌ها در بنگاه‌های دیگر نباید به گونه‌ای باشد که در اختصاص منابع بانکی به متقاضیان تسهیلات، خللی ایجاد نماید.

طبق ماده ۱۵ دولت موظف است حداکثر ظرف شش ماه زمینه‌های تأسیس انجمن صنفی حرفه‌ای (بانکی) را به صورت سازمان مردم نهاد فراهم نماید. این انجمن برای تحقق مقررات صنفی و حرفه‌ای، اصول اخلاق حرفه‌ای و توسعه علمی و تکنولوژی در رشته‌های مرتبط (بانکی) فعالیت می‌نماید. دستگاه‌های اجرائی موظفند در تدوین و اصلاح ضوابط و مقررات از این انجمن‌ها نظر مشورتی اخذ نمایند. در ماده ۳۸ قانون پولی و بانکی کشور آمده است که: «الف- کلیه بانک‌هایی که در ایران کار می‌کنند عضو کانون بانک‌ها شناخته می‌شوند. ب- کانون بانک‌ها دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی بوده و به موجب اساسنامه‌ای که به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید اداره خواهد شد». اما در لایحه قانونی انحلال کانون بانک‌ها مصوب ۱۳۵۸/۱۲/۱۸ شورای انقلاب کانون بانک‌ها منحل گردید و طبق لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها مصوب ۱۳۵۸/۰۷/۰۲ شورای انقلاب، شورای عالی بانک‌ها به عنوان یک رکن دولتی برای اداره بانک‌ها تشکیل شد زیرا همه بانک‌های کشور طبق قانون ملی شدن بانک‌ها مصوب ۱۳۵۸/۰۳/۱۷ انقلاب دولتی شده بودند. تا اینکه پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در مورخ ۱۳۸۶/۰۴/۰۵ طبق ماده (۶) «قانون تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجراء طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارآیی بانک‌ها»، شورای عالی بانک‌ها منحل و وظایف آن به هیأت مدیره بانک‌ها واگذار گردید. پس از تشکیل بانک‌ها و موسسات اعتباری خصوصی طبق «قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیر دولتی» به تاریخ ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ این بانک‌ها و موسسات در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۸ «انجمن صنفی (کانون) بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی» را با هدف ایجاد هماهنگی بین بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی عضو تشکیل دادند. این کانون با استناد به ماده ۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران و آئین نامه مصوب دی ماه ۱۳۷۱ هیأت وزیران در اداره کل سازمان‌های کارگری و کار فرمایی به ثبت رسید. طبق ماده (۲۲) سازمان خصوصی سازی می‌تواند از خدمات بانک‌ها و شرکت‌های تأمین سرمایه و سرمایه گذاری جهت تعهد پذیره نویسی یا تعهد خرید سهام استفاده نماید. طبق ماده (۴۴) و (۴۵) برخی اعمال (از جمله در بازار بانکی) که به اخلاص در رقابت منجر می‌شود، ممنوع است.

طبق ماده (۹۰) چنانچه دولت به هر دلیل قیمت فروش خدمات بنگاه‌های مشمول واگذاری و یا سایر بنگاه‌های بخش غیردولتی (از جمله بانک‌ها) را به قیمتی کمتر از قیمت بازار تکلیف کند، دولت مکلف است مابه تفاوت قیمت تکلیفی و هزینه تمام شده را تعیین و از محل اعتبارات و منابع دولت در سال اجراء پرداخت کند و یا از بدهی این بنگاه‌ها به سازمان امور مالیاتی کسر کند.

۳-۱-۲- آثار حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی

به طور کلی از مباحث بیان شده در این بخش اینچنین می‌توان نتیجه گرفت که در حاکمیت شرکتی به موضوعاتی نظیر نقش سهامداران و روابط آنها و کنترل مناسب شرکت‌ها، نظیر کمیته حسابرسی، ریسک، تطبیق، کمیته تعیین دستمزد و پاداش، نقش حسابرسان و نظام حسابداری و کنترل‌های داخلی، استقلال هیات مدیره، وجود توان قوای مطلوب در سطح هیات مدیره و

۸۱ بررسی آثار اجرای دستورالعمل حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی (پرویز علوی، حبیب شریفی نویسی)

استفاده از اعضای غیرموظف و حفظ منافع تمامی ذی نفعان تاکیدات ویژه‌ای گردیده و استفاده از مولفه‌های موصوف موجب ایجاد ثبات و امنیت در بانک‌ها و سایر موسسات مالی خصوصی در نتیجه اقتصاد جامعه می‌گردد. (بهشتی لنگرودی، ۱۳۹۱: ۳)

با عنایت به ضرورت بکارگیری شیوه‌های موثر حاکمیت شرکتی به منظور جلب و حفظ اعتماد عمومی نسبت به نظام بانکی و با توجه به اینکه در سال‌های اخیر از یک سو پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در جهت استقرار نظام حاکمیت شرکتی، از طریق قانون گذاری، اقدامات نظارتی و نیز اقدامات داوطلبانه بانک‌ها صورت پذیرفته و از سوی دیگر، سپرده گذاران و دیگر ذی نفعان بانک‌ها نیز آگاهی بیشتری در مورد ضرورت و اهمیت نظام حاکمیت شرکتی یافته و نسبت به پیگیری استقرار این نظام علاقه مند شده اند، لذا طبیعی است که استقرار یک نظام جامع و موثر حاکمیت شرکتی می‌تواند بر توسعه و نیز عملکرد کارایی بازارهای مالی، تخصیص بهینه منابع، جلوگیری از مواجه شدن بانک‌های خصوصی با بحران نقدینگی و حتی ورشکستگی آنها تاثیرگذار باشد.

همچنین با توجه به اینکه بانک‌ها بخش حساس و حیاتی اقتصاد هر کشور به حساب می‌آیند و تامین مالی سایر بخش‌های اقتصادی را به عهده دارند و از طریق نظام‌های پرداخت خدمات مالی اصلی را به بخش مهمی از جامعه ارائه می‌دهند و برخی از بانک‌های خصوصی وظیفه دارند در شراین سخت و بحرانی بازار اعتبارات و نقدینگی لازم را برای چرخش فعالیت‌های اقتصادی فراهم سازند. از این رو نقش حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و تاثیر اجرای دستورالعمل‌های مربوطه آن بر عملکرد مالی آنها بسیار حساس و حیاتی است. (رهبری خرازی، ۱۳۸۵: ۴۲)

موضوع حاکمیت شرکتی و تاثیر آن بر عملکرد مالی بانک‌ها در سطح بین المللی بسیار حائز اهمیت و مورد توجه ویژه می‌باشد و صنعت بانکداری در کشور ما نیز از این موضوع مستثنی نمی‌باشد، همچنین حاکمیت شرکتی قوی در بانک‌های خصوصی یکی از مهم‌ترین ابزار جلوگیری از فساد محسوب می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد با ضعف حاکمیت شرکتی فساد مالی افزایش و به دنبال آن علاوه بر کاهش سرمایه گذاری مستقیم داخلی و خارجی و افزایش مخارذ دولت، رشد اقتصادی نیز کاهش یافته است. حاکمیت شرکتی عملکرد عملیاتی را بهبود بخشیده و منجر به جذب سرمایه ارزان قیمت، تخصیص بهینه منابع، کاهش ریسک و حفظ منافع همه طرف‌های ذینفع است. (آدامز و مهران، ۲۰۰۳)^۱

از آنجا که حاکمیت شرکتی سیستمی است که از طریق آن شرکت‌های تجاری، نظارت و کنترل می‌شوند. حاکمیت شرکتی، توزیع حقوق و مسئولیت‌ها را بین شرکای مختلف در بانک‌های خصوصی از قبیل هیأت مدیره مدیران سهامداران و سایر ذینفعان مشخص می‌کند و قوانین و رویه‌های تصمیم گیری در امور بانکی را تعیین می‌نماید. با انجام این کاره ساختارهایی فراهم می‌شوند که از طریق آنها هدف‌های بانک تبیین و ابزار رسیدن به این هدف‌ها و نظارت بر عملکرد نیز فراهم می‌شوند. (حساس یگانه، پیشین، ۴۱) طبق تحقیقات انجام شده اگر بانک‌های خصوصی

¹ Adam R and Mehran

در جهت بهبود و ارتقای وضعیت حاکمیت شرکتی تلاش کنند این موضوع تاثیر مثبتی بر عملکرد و ارزش آنها می‌تواند داشته باشد. (ودیدی و غلامی پور، ۱۳۹۱)

در چارچوب حاکمیت شرکتی اعضای هیات مدیره بانک مسئولیت‌هایی از جمله استخدام و نظارت بر مدیریت، تعیین اهداف و خط‌مشی‌های اصلی، نظارت بر رعایت خط‌مشی‌ها و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمده بانک را بر عهده دارند. بنابراین اعضای هیئت مدیره نقش راهبردی در تعیین خط‌مشی‌هایی دارند که مدیریت باید بر اساس آنها فعالیت کند. در نتیجه تصمیم‌های هیات مدیره تاثیر بااهمیتی بر عملکرد بانک خواهد داشت. به‌طور کلی می‌توان بیان نمود حاکمیت شرکتی در صنعت بانکداری دارای چهار رکن انصاف، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری می‌باشد. بدین معنا که چارچوب حاکمیت شرکتی باعث ایجاد بازارهای کارا و شفاف، تضمین رفتار یکسان با همه سهامداران از جمله سهامداران اقلیت و خارجی مطابق با قوانین و شرح و تقسیم مسئولیت‌ها بین سازمان‌های مختلف مسئول سرپرستی، و نظارت بر آنها، حفاظت از حقوق سهامداران و تسهیل اعمال این حقوق، افشای بهنگام و دقیق تمام مسائل مهم از جمله وضعیت مالی، عملکرد، مالکیت و... تضمین ارائه رهنمودهای استراتژیک شرکت، نظارت موثر هیات مدیره بر مدیریت و پاسخگویی هیات مدیره در برابر شرکت و سهامداران می‌شود. (استاد و همکار، ۱۳۹۲: ۱۴) همچنین حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی می‌تواند از این راه‌ها بر رشد و توسعه اقتصادی اثرگذار باشد:

-حاکمیت شرکتی باعث کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری می‌شود و ارزش شرکت را افزایش می‌دهد. در نتیجه، منجر به جذب سرمایه‌گذاری می‌شود و اشتغال بیشتری را به همراه دارد و از این طریق رشد و توسعه اقتصادی را به دنبال دارد.

-حاکمیت شرکتی قوی در شرکت‌ها و از جمله بانک‌های خصوصی، مهم‌ترین ابزار جلوگیری از فساد محسوب می‌شود. مطالعات صورت گرفته از کشورهای یادشده نشان می‌دهد که با ضعف حاکمیت شرکتی، فساد مالی افزایش یافته و به دنبال آن سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و خارجی تنزل، مخارج دولت افزایش و رشد اقتصادی کاهش می‌یابد.

-حاکمیت شرکتی عملکرد عملیاتی شرکت (بانک‌های خصوصی) را بهبود می‌بخشد و علاوه بر مدیریت منابع باعث تخصیص بهینه منابع نیز می‌شود که در نهایت به افزایش ثروت می‌انجامد و از این طریق در رشد و توسعه اقتصادی موثر است. (قالیباف اصل و همکار، ۱۳۹۲: ۱۴)

همچنین مقوله مبارزه با جرائم و فساد مالی در اقتصاد پول و بانکداری را می‌توان به طور توأم هم از آثار ارتقای حاکمیت شرکتی بانکی دانست و هم از ابزار آن، می‌توان گفت تمامی مصائب به وجود آمده در نظام بانکی ایران از سال‌های پس از انقلاب اسلامی تا پرونده فسادهای عظیم بانکی در سال‌های اخیر، ناشی از فقدان یک سیستم حاکمیت شرکتی مؤثر در بانک‌ها بوده است. با توجه به نقش مهم بانک‌ها در واسطه‌گری مالی، استعداد زیاد آنها در اثرپذیری از مشکلات بالقوه ناشی از حاکمیت شرکتی ناکارآمد و لزوم صیانت از وجوه سپرده‌گذاران، موضوع حاکمیت شرکتی از اهمیت فراوانی برای نظام مالی برخوردار است. حاکمیت شرکتی قوی در شرکت‌ها و بانک‌ها از

مهم‌ترین ابزار جلوگیری از فساد برشمرد می‌شود، مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد با ضعف حاکمیت شرکتی، فساد مالی افزایش یافته و به دنبال آن سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و خارجی تنزل، مخارج دولت افزایش و رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. (حسن زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۲) و در صورت برقراری و اعمال مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی نظیر ایجاد کمیته‌های حسابرسی، کمیته ریسک، کمیته تطبیق و پاداش و دستمزد و استفاده از خدمات حسابرسان داخلی و مستقل و همچنین حضور اعضای غیر موظف در هیات مدیره می‌توان سطح سیستم کنترل‌های داخلی موسسات مالی از جمله بانک‌ها را ارتقاء بخشید.

مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی منجر به گزارشگری صحیح و شفاف رویدادهای مالی، دسترسی سهامداران جزء به اطلاعات و نظارت بر عملکرد مدیریت اجرایی بانک‌ها خواهد شد. پاسخگوئی که یکی از اهداف کلیدی در حاکمیت شرکتی محسوب می‌گردد موجبات مسئولیت پذیری و پاسخگوئی مدیران شرکت در قبال عملکرد خود به سهامداران، مشتریان، کارکنان، دولت و ناظران خارجی شده و نقش قابل توجهی در کارآمدی و سلامت نظام بانکی ایفا خواهد نمود. هنگامی که شفافیت به اندازه کافی در سیستم بانکی وجود نداشته باشد، سهامداران، سپرده‌گذاران و سایر ذینفعان با مشکل ارزیابی صحیح عملکرد هیات مدیره و مدیریت ارشد بانک‌ها مواجه می‌شوند و این امر زمینه ایجاد فساد در سیستم بانکداری را ایجاد می‌کند. لذا حاکمیت شرکتی با ایجاد ساختاری نوین در مدیریت بانک‌ها سعی دارد با ایجاد چارچوبی شفاف و مشخص، از بسیاری از ناکارآمدی‌ها و مفاسد نظام بانکی جلوگیری کند. (رجبیه و توکلی، ۱۳۹۶: ۸)

اولین و مهم‌ترین بخش در حاکمیت شرکتی، در نظر گرفتن یک جایگاه نظارتی برای هیئت‌مدیره مؤسسات مالی است. به منظور کنترل بیشتر بر فعالیت‌های نظام مالی، مقامات نظارت‌کننده مسئولیت‌هایی را به هیئت‌های مدیره تکلیف کرده‌اند. دلیل این سیاست نیز، تفکیک حوزه اجرای بانک (هیئت عامل) از حوزه نظارت (هیئت مدیره) است. این مسئولیت‌های نظارتی عبارتند از:

۱- **تصویب استراتژی ریسک و نظارت بر اجرای آن:** در این زمینه از هیئت‌های مدیره خواسته شده است تا با راه‌اندازی کمیته ریسک، اقدامات عملی برای کنترل ۴ نوع ریسک اعتباری، نقدینگی، عملیاتی و بازار را انجام دهند. همچنین از آنها خواسته شده است که به افشای گزارش‌ها پیرامون این موضوع اعم از خط مشی، روش‌های مدیریت ریسک و نتیجه اقدامات عملی بپردازند.

۲- **اجرای سیاست‌های کلیدی در رابطه با الزامات کفایت سرمایه:** هم‌اکنون یکی از مشکلات فعلی نظام بانکی، کفایت سرمایه پایین بانک‌های ایرانی است که حتی از مقدار مجاز در نظر گرفته شده در سند بال ۱ نیز کمتر است. هیئت‌های مدیره باید با راه‌اندازی کمیته مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها، اختصاص رتبه اعتباری به هریک از دارایی‌ها و همین‌طور ثبت و ضبط عملیات مرتبط، از تطبیق این اقدامات با مقررات این حوزه اطمینان حاصل نمایند.^۱

^۱ میزان مجاز کفایت سرمایه در سند بال بین‌المللی بال ۱ (۱۹۹۹)، حدود ۴ درصد، در سند بال دو (نسخه ۲۰۱۰) در حدود ۸ درصد و در سند بال ۳ (نسخه ۲۰۱۵)، در حدود ۱۲ درصد است.

۳- **جلوگیری از تضاد منافع:** تضاد منافع، به شرایطی گفته می‌شود که در آن فردی با منافع متعددی مواجه است و حداقل یکی از آن منافع، می‌تواند منجر به فساد انگیزه‌ها و تصمیم‌گیری‌های وی شود. این مسئله در روابط بانکی بسیار اتفاق می‌افتد. به‌عنوان یک مثال بارز می‌توان به حضور هم‌زمان یک شخص در چند هیئت‌مدیره اشاره کرد؛ بدین نحو که اعضای کلیدی یک بانک (اعم از هیئت‌مدیره و هیئت عامل) در چندین شرکت تجاری- صنعتی دارای مشاغل کلیدی باشند و از این طریق از بانک موردنظر، به‌عنوان یک منبع مالی ترجیحی استفاده نمایند. برای ممانعت از وقوع این پدیده، مقام ناظر رفع موارد مرتبط به تضاد منافع را با تعیین مسئولیت‌های زیر بر عهده هیئت‌مدیره قرار داده است:

الف) تعهد اعضا مبنی بر خودداری از انجام اقداماتی که سبب ایجاد تضاد منافع گردد.
ب) تعهد اعضا به افشای هر موضوعی که ممکن است منجر به تضاد منافع شود. (در هر رده از سلسله پست‌های کلیدی بانک)

ج) نحوه برخورد هیئت‌مدیره در موارد عدم رعایت مسائل مربوط به تضاد منافع متناسب با خواسته‌های نظارتی

دومین بخش از مقوله حاکمیت شرکتی به نظام مدیریت داخلی مؤسسات اعتباری بازمی‌گردد. اهمیت این مورد به دلیل ماهیت فعالیت بانکداری است. بانک‌ها برای ایفای تعهدات خود از ابزارهایی استفاده می‌کنند که دارای دو خاصیت نقدشوندگی بالا و قابلیت نقل‌وانتقال آسان است. به همین دلیل امکان ارتکاب جرم مالی (مانند اختلاس و یا سوءاستفاده مالی کارکنان) افزایش پیدا می‌کند. پس بایستی در این زمینه یک نظام متقن به‌منظور جلوگیری از هر نوع جرم مالی طراحی شود.^۱

سومین بخش از حاکمیت شرکتی، به مسئله حسابرسی مالی اشاره دارد. اهم وظایف در این زمینه، اتخاذ تدابیر درست در رویه امور حسابداری و نظارت بر آن، صحت‌سنجی صورت‌های مالی و انتشار آن است. انجام این موارد با همراهی دو مجموعه یعنی کمیته حسابرسی (منتصب از هیئت‌مدیره) و واحد حسابرسی داخلی (زیر نظر هیئت عامل) میسر می‌شود. (پیشین، ۱۱)
با این حال وجود برخی موارد سبب می‌شود حاکمیت شرکتی به شیوه مناسب در بانک اجرا نشده و منافع مورد انتظار از آن (از جمله کاهش مفاسد اقتصادی) در عمل محقق نشود. از جمله:

فقدان ساختار استاندارد و اجرایی جهت ارائه آمار و اطلاعات مرتبط با بانک‌ها
الزام آور نبودن اصول ۱۴گانه حاکمیت شرکتی در جهت ایجاد شفافیت

عدم تمایل هیات مدیره به انتشار عمومی اسناد مالی

ساختارهای بانکی پیچیده خصوصاً در بانک‌های دولتی

عدم توجه جدی به مسئله مدیریت ریسک در نظام بانکی

^۱ یک نمونه از این موضوع که در چند وقت اخیر بسیار موردتوجه رسانه‌ها قرار گرفته است، اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به کارکنان در یکی از بانک‌های خصوصی با تاریخ‌های سررسید بلندمدت و نرخ بهره پایین‌تر از سطح متعارف است.

۸۵ بررسی آثار اجرای دستورالعمل حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی (پرویز علوی، حبیب شریفی نویسی)

نبود مطالبه کافی در میان سهامداران و ذی‌نفعان در اجرای کامل حاکمیت شرکتی و عمل به الزامات قانونی آن

تمامی این مسایل دست به دست هم داده است تا حاکمیت شرکتی در نظام بانکی کشور نتواند وظیفه اساسی خود در جهت مبارزه با فساد را اجرا کند.

حمایت از حقوق سهامداران اقلیت، تاکید بر نقش هیات مدیره مستقل از طریق استفاده از اعضای غیر موظف، جلوگیری و مبارزه با فساد، تضمین رعایت اخلاق، حذف یا کنترل افشای کامل معاملات درون بنگاهی و یا با اشخاص وابسته و مرتبط و در چارچوب قرارداد آن، اطلاع رسانی مرتبط و به موقع به کلیه ذینفعان از نتایج اعمال مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و زمینه ساز برقراری سلامت در نظام بانکی محسوب می‌شوند.

تقویت واحد حسابرسی داخلی و تعیین وظایف و نظارت بر عملکرد واحد موصوف از سوی کمیته تخصصی حسابرسی با حضور حسابرسان خبره خارج از مجموعه و با ریاست عضو غیر موظف هیات مدیره، پتانسیل واحد موصوف را در کشف تقلبات، اشتباهات، تخلفات و بهبود کنترل ریسک فعالیت‌های بانک افزایش داده، مضافاً اینکه زمینه‌ها و قابلیت اتکا و درستی اطلاعات مالی و کارایی و اثر بخشی عملیات، محافظت از دارائی‌های شرکت و رعایت قوانین و مقررات را به نحو مطلوبتری فراهم می‌نماید. یک برنامه حاکمیت شرکتی موثر، یک نوع ابزار قوی ضد فساد و رشوه‌گیری در شرکت‌ها و موسسات مالی محسوب می‌گردد. مبارزه با فساد می‌تواند موجبات تقویت شهرت و اطمینان بخشی به سرمایه گذاران و سپرده گذاران و اشخاص طرف قرارداد و ناظرین خارج از شرکت را فراهم آورد.

نتیجه گیری

- حاکمیت شرکتی با استفاده از مکانیزم‌هایی نظیر اعضای غیر موظف در هیات مدیره، استفاده از کمیته‌های تخصصی ریسک، کمیته حسابرسی، کمیته تطبیق عملیات جاری با قوانین، ضوابط و مقررات، استفاده از حسابرسان داخلی و مستقل، فراهم آوردن امکان نظارت سهامداران اقلیت، کنترل معاملات اشخاص مرتبط، رعایت این‌نامه رفتار حرفه‌ای کارکنان و مدیران و گسترش اخلاق سازمانی موجب ارتقای سطح اثر بخشی و کارایی سیستم کنترل‌های داخلی شده است.

- با طراحی و تقویت نظام‌های حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی، می‌توان شاهد استقرار یک محیط پویا و سالم در نظام بانکداری بود، به طوری که با استقرار نظام حاکمیت شرکتی در بانک داری خصوصی کشور، به جای اتخاذ رویکرد کیفری توسط قانون گذار، باید به رویکرد پیشگیری از جرم متمسک، که در نظام حقوقی ایران به آن توجه زیادی نشده است.

- اجرای دستورالعمل حاکمیت شرکتی با ایجاد فضای اطمینان برای تمامی ذینفعان در بانک‌های خصوصی مانند کارکنان، مدیران و سهامداران منجر به آن میشود که مسیر عملکردهای بانکی روان شده و با ایجاد فضای حس اعتماد عمومی رشد بیشتری در ساختار فعالیت‌های بانکی بوجود بیاورد.

- یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در عرصه بین‌المللی در جهت اصلاح زمینه‌های قانونی نظارت بانکی در ایران باید انجام پذیرد، اجرایی و عملیاتی نمودن واقعی مقررات کمیته بازل در زمینه حاکمیت شرکتی، که کارشناسان مختلف حوزه حقوق، اقتصاد و مدیریت، ضرورت تمکین ایران به آنها را یادآوری نموده‌اند. بدین سان از راهکارهای عملیاتی می‌توان به پایبندی به اصول مبارزه با جرائم و فساد مالی در حوزه بانکی و تدوین قوانین و مقررات داخلی و الحاق به معاهدات بین‌المللی نیز اشاره کرد. درواقع حاکمیت شرکتی به عنوان سازوکاری برای حفاظت از ارزش‌ها و روابط کسب و کار، از روش منحصر به فردی تبعیت می‌کند. این سازوکار در تطابق کامل با کدهای کسب و کار، کدهای اخلاق، کد رفتار، منشور اخلاقی و... و نیز قوانین محلی شرکت‌ها و قوانین تجاری می‌باشد.

- حاکمیت شرکتی، ابزار نظارتی است که در بنگاه‌های اقتصادی، خصوصاً موسسات مالی به منظور نظارت بر فعالیت‌ها و در جهت دستیابی به اهدافی نظیر پاسخ‌گویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان بکار می‌رود و در حقیقت تعیین‌کننده ساختاری است که توسط آن، اهداف سازمان تدوین و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد مشخص می‌شوند و با اعمال روش‌های مختلف نظارت احتیاطی، نظاره‌گر کاهش چشمگیر جرائم حوزه بانکی در بانک‌های خصوصی خواهیم بود.

- در مجموع به نظر می‌رسد که در ایران پس از این که خصوصی سازی از پایین در صنعت بانکداری یعنی اجازه ورود به بخش خصوصی و غیردولتی به این صنعت و نیز خصوصی سازی با واگذاری سهام بانک‌های دولتی انجام شد برخی از مولفه‌های نظام حاکمیت شرکتی در این صنعت بهبود یافته است. از جمله در موارد زیر:

۱- احکام مناسبی در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای بهبود رقابت و کارایی و حفظ حقوق سهامداران و سپرده‌گذاران پیش‌بینی شده است اما برخی از مفاد این قانون هنوز در صنعت بانکداری اجرا نشده است.

۲- گزارش دهی از فعالیت هیئت مدیره بانک‌ها به نهادهای سیاستگذار، مقامات بازار سهام، سهامداران و عموم مردم با عضویت بانک‌های کشور در بورس و فرابورس افزایش یافته است.

۳- همچنین در پی این عضویت در بورس، شفافیت اطلاعات عملیاتی و عملکرد بانک‌ها با انتشار گزارش‌های متعدد آنها در بورس افزایش یافته است.

۴- گردش سهامداران بانک‌ها افزایش قابل توجهی داشته است که نشان می‌دهد سهامداران می‌توانند از طریق کارکرد رقابتی در بازار سهام به عملکرد مدیران بانک‌ها پاداش داده یا آنها را جریمه کنند.

اما، هنوز درباره این مواردی اقدامات مناسبی انجام نشده است:

از جمله میزان سهامداری بانک‌ها در شرکت‌های دیگر و نفوذ آنها در بازار سرمایه و ادغام و تصاحب‌ها در تغییر قوانین شرکتی و سهامی و نیز رژیمی نظارتی که بتواند بین ادعاهای متعارض مدیران، سهامداران بیرونی و اعتباردهندگان توازن برقرار کند.

پیشنهادهای

به منظور بهبود عملکرد بانک‌های خصوصی و همچنین پیشگیری از بروز بحران و فساد مالی و همچنین نقش پر اهمیت ارتقای مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی، پیشنهادات ذیل جهت کاربردی شدن آنها در نظام بانکی مطرح می‌گردد:

۱- استفاده از اعضای غیر موظف هیأت مدیره موجب بالا بردن سطح استقلال و همچنین ارتقای نظارت بر عملکرد مدیران اجرایی بانک می‌گردد. حضور اعضای غیر موظف در هیأت مدیره و کمیته‌های تخصصی آن و شرکت فعال ایشان در تصمیم‌گیری‌های بانک به شرط آنکه از اطلاعات لازم درخصوص حقوق، اقتصاد، حسابداری و مدیریت و بانکداری برخوردار باشند موجب افزایش غنا و همچنین وزن علمی و تجربی هیأت مدیره هر بانک می‌گردد. در این رابطه پیشنهاد می‌گردد بانک مرکزی ج.ا.ا به عضویت اعضای غیر موظف در هیأت مدیره بانک‌ها اصرار و تأکید ورزد تا با این رویکرد و حفظ وجه استقلال، از منافع تمامی گروه‌های ذینفع حمایت گردد.

۲- با توجه به اینکه افزایش مطالبات معوق و همچنین سرمایه‌گذاری‌های نامناسب و عدم اعتبارسنجی صحیح از عمده دلایل مربوط به افزایش ریسک‌های نقدینگی و اعتباری و بروز بحران در بانک‌ها بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای بوده‌اند، تاکنون اقدام مؤثری درخصوص وادار نمودن بانک‌های خصوصی به استفاده از خدمات مؤسسات رتبه‌سنجی اعتباری و بررسی و نظارت بر عملکرد بخش‌های تسهیلاتی بانک‌ها در این رابطه انجام نپذیرفته است که در این رابطه پیشنهاد می‌گردد حداقل درخصوص تسهیلات و تعهدات کلان استفاده از خدمات مؤسسات رتبه‌سنجی اعتباری برای بانک‌ها الزامی گردد.

۳- با توجه به نقش سهامداران نهادی در بهبود عملکرد شرکت‌ها و بانک‌ها به دلیل دانش و تخصص و تجربه مدیران اینگونه از سهامداران، پیشنهاد می‌گردد سهامداران نهادی نقش و مشارکت بیشتری در اداره و کنترل بانک‌ها ایفاء نمایند. برای ترغیب اینگونه سهامداران بسته‌های تشویقی از سوی بانک مرکزی ج.ا.ا برای بانک‌ها مدنظر قرار گیرد.

۴- به منظور استفاده از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی، بانک مرکزی ج.ا.ا بسته‌های تشویقی به منظور ایجاد انگیزه لازم تدوین و جهت اجرایی شدن به سیستم بانکی کشور ابلاغ نماید.

جهت گیری بسته‌های موصوف می‌تواند به گونه‌ای طراحی گردد تا بانک‌هایی که از ساز و کارها و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی استفاده می‌نمایند (نظیر سهامداران نهادی، کمیته حسابرسی، کمیته ریسک، اعضای غیر موظف و رتبه شفافیت در بورس و...) پس از انجام بررسی‌های لازم در خصوص عملکرد این کمیته‌ها از سوی بازرسان بانک مرکزی ج.ا.ا، از امتیازاتی نسبت به بانک‌های دیگر برخوردار گردند.

۵- با توجه به تفاوت‌های مشهود بخش دولتی و خصوصی در نوع دیدگاه نسبت به بررسی عملکرد شرکت‌ها و بانک‌ها که نشأت گرفته از تفاوت در شرح وظایف، مسئولیت‌ها و کارکردها و انتظارات حاکم و به خصوص در هر بخش می‌باشد، پیشنهاد می‌گردد تا در جهت بهبود عملکرد بانک‌ها،

درصد سهامداری دولتی در بانک‌های خصوصی شده کاهش یافته تا بانک‌ها با سهامداران بخش خصوصی و با اهداف افزایش حقوق سهامداران و دیدگاه‌های هزینه - فایده‌ای هدایت و راهبری گردند. بدیهی است در صورت اعمال نظارت کافی از سوی بانک مرکزی ج.ا. و ارائه بسته‌های تشویقی درخصوص رعایت و تقویت مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی و همچنین تدوین و لحاظ ضمانت اجرای کاربردی در صورت بروز تخلف در بانک‌ها، منافع تمامی ذینفعان اعم از کارکنان، مدیران، سپرده گذاران، سهامداران، دولت، جامعه و رقبا تأمین خواهد گردید.

۶- احادی در ساختار سازمانی بانک‌ها با عنوان نهاد یا مرکز حاکمیت شرکتی و زیر نظر یکی از اعضای غیرموظف هیأت مدیره تشکیل گردد. واحد موصوف می‌بایست هدایت و نظارت بر عملکرد کمیته‌های حسابرسی، کمیته تطبیق، کمیته ریسک و کمیته پاداش و دستمزد را به عهده گرفته و گزارشات دوره‌ای و منظم از عملکرد کمیته‌های موصوف را در فواصل زمانی تعیین شده به هیأت مدیره بانک جهت آگاهی ایشان ارسال نماید.

همچنین اصلح است، جهت امکان برقراری نظارت بهینه و موثر برای ناظرین خارج از بانک نظیر بانک مرکزی ج.ا.، سازمان بازرسی کل کشور و امثالهم بر عملکرد بانک‌های خصوصی، یک نسخه از گزارشات عملکردی واحد موصوف در فواصل زمانی مشخص و ترجیحاً همزمان با زمان ارسال گزارش به هیأت مدیره، به نظار خارج از بانک نیز جهت آگاهی ایشان تحویل گردد.

۷- همچنین جهت اجرای هرچه بهتر حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد: -اصلاح و به روز نمودن قوانین و مقررات کشور به ویژه مقررات قانون تجارت، قانون پولی و بانکی و نیز قانون عملیاتی پولی و بانکی کشور.

- تدوین قوانین مرتبط با نظام حاکمیت شرکتی در لایحه اصلاحی قانون تجارت و اعمال آن در زیرمجموعه‌هایی مانند سازمان بورس و اوراق بهادار، نظام بانکی و نهادهای مشابه دیگر. از جمله آنها، پیش بینی ایجاد ساختار دو لایه‌ای و تفکیک وظایف و مسئولیت‌های هیأت مدیره و هیأت عامل (هیأت نظارتی و هیأت اجرایی) قابل تأکید است.

- با توجه به خلأهای قانونی موجود در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، تدوین یک مجموعه مقررات منسجم در زمینه حاکمیت شرکتی ضروری است. با این هدف مبانی کلیدی یک نظام حاکمیت شرکتی مناسب برای محیط اقتصادی ایران که مخاطب اصلی آن هیأت مدیره شرکت است به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

مسئولیت پذیری و پاسخگویی،

خلق ارزش و استفاده مؤثر از منابع شرکت،

گزارش‌دهی به موقع و شفاف،

رعایت انصاف و عدالت در رابطه با تمامی ذی نفعان،

ایفای نقش اجتماعی و شهروندی شرکت شامل ایفای تعهدات و الزامات اخلاقی، اسلامی و شئون اجتماعی در عین رعایت منافع سهامداران شرکت به عنوان اصلی‌ترین طبقه از ذی نفعان.

۸۹ بررسی آثار اجرای دستورالعمل حاکمیت شرکتی در بانک‌های خصوصی
(پرویز علوی، حبیب شریفی نویسی)

-افزایش همکاری و تبادل مؤثر اطلاعات با مقام‌های نظارتی کشورهای دیگر و استفاده از تجارب آنها در اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها.
- ایجاد مؤسسات رتبه بندی و الزام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس به ارائه رتبه حاکمیت شرکتی خود و شرکت‌های زیرمجموعه.

منابع

- ۱) امینی، عباس؛ لغتنامه حقوقی، ویرایش ۱۴، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۲.
- ۲) حساس یگانه، یحیی؛ فلسفه حسابرسی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- ۳) حسن زاده، علی، ابراهیم پورزندی، محمد و حلمی، علیرضا؛ حاکمیت شرکتی و ارتقای سلامت مالی، رشت، انتشارات گپ، ۱۳۹۲.
- ۴) رهبری خرازی، مهسا؛ اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه. نشر شرکت اطلاع رسانی بورس، ۱۳۸۵.
- ۵) خوشوقتی، کاظم؛ جرایم ناشی از سوءاستفاده از ضمانت‌نامه‌های بانکی، چاپ اول، تهران: نیل برگ، ۱۳۹۴.
- ۶) طالبی، محمد، «بانکداری سرمایه‌گذاری (مدیر پروژه تألیف)»، تهران: انتشارات شرکت تدبیر، ۱۳۹۵.
- ۷) عیوضلو، حسین و وهاب قلیچ، بانکداری اخلاقی با رویکرد اسلامی؛ ضوابط اخلاقی و تدابیر ساختاری، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۳.
- ۸) عاقلی نژاد، محمدامین؛ پیشگیری از جرایم بانکی از طریق حاکمیت شرکتی، تهران: نشر جنگل، ۱۳۹۴.
- ۹) اسدی، غلامحسین و خوری، مهدی، "نظریه سهامداران یا نظریه ذینفعان"، ماهنامه حسابداری، شماره ۱۳۹۰، ۲۳۰.
- ۱۰) استاد، الهام؛ چشمی، علی؛ بررسی حاکمیت شرکتی در صنعت بانکداری ایران پس از برنامه‌های خصوصی سازی، نخستین کنفرانس ملی توسعه صنعت پولی و بانکی، تهران مرکز همایش‌های بین المللی صدا و سیما، ۱۳۹۲.
- ۱۱) تقوی، مهدی؛ احمدیان، اعظم و مهران کیانوند، "تحلیلی بر تاثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر شاخص مالکیت بانک‌ها)"، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال ششم، شمار نوزدهم، ۱۳۹۲.
- ۱۲) -جعفری، امین؛ حاکمیت شرکتی در بانک‌ها از منظر حقوق ایران، مجموعه مقالات بیست و چهارمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، ۱۳۹۴.
- ۱۳) حساس یگانه، یحیی؛ حاکمیت شرکتی در ایران. فصلنامه حسابر، شماره ۱۳۸۵، ۳۲.

- ۱۴) حساس یگانه، یحیی، هاشمی، سید هادی؛ مرور مبانی و مدل‌های مختلف حاکمیت شرکتی، مجله اقتصاد، شماره ۱۳۸۷، ۱۱۵.
- ۱۵) حسن‌زاده، علی؛ علیزاده، آرش محمد، حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، مجله اخبار اقتصادی، سال نهم، شماره ۳۳، ۱۳۹۲.
- ۱۶) -داری، مجیدرضا، تبیین اثرات اجرای حاکمیت شرکتی در ایران با توجه به کشورهای منطقه منا، بیست و دومین همایش بانکداری اسلامی، پایگاه خبری بانکداری الکترونیک، ۱۳۹۶.
- ۱۷) روشندل، محمد؛ راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکداری ایران. وب سایت بانک مرکزی، بخش نظارت بانکی، ۱۳۸۶.
- ۱۸) رحیمیان، نظام الدین؛ محمدی، حمید؛ صالحی راد، معصومه؛ نقش ساز و کارهای حاکمیت شرکتی در عملکرد بانک‌ها، بررسی‌های حسابداری، دوره اول، شماره ۱، زمستان، ۱۳۹۲.
- ۱۹) رجبیه، محمدحسین؛ توکلی، ابوالفضل؛ پیشگیری از جرائم بانکی با تاکید بر اصلاح ساختار بانک‌ها در نظام حقوقی ایران، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه: پاییز، دوره سوم - شماره ۳۱، ۱۳۹۶.
- ۲۰) سیف، ولی اله؛ حاکمیت شرکتی و نظارت بر بانک‌ها: غفلت از حاکمیت شرکتی در ایران. مقاله ارائه شده در بیست و دومین همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۹۰.
- ۲۱) شهبازی غیائی، موسی؛ ترابی فرهادی، آسیب شناسی نظام بانکی، چالش‌ها و آسیب‌های کلان ضعف حاکمیت شرکتی در مدیریت بانک‌های ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵.
- ۲۲) قالیباف اصل، حمید و جعفری، محمد؛ "حاکمیت شرکتی و توسعه بازار سرمایه، ماهنامه بورس، شماره ۱۰۱، خرداد، ۱۳۹۲.
- ۲۳) متوسلی، محمود، آقا بابایی، رضا، آسیب‌شناسی نظام بانکی ایران از منظر نهادگرایی، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۱، ش ۱، ۱۳۸۵.
- ۲۴) مشایخ، ش. و اسماعیلی، م.؛ بررسی رابطه‌ی بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، پاییز ۱۳۸۵، ۱۳۸۵.
- ۲۵) ولی الله، سیف، حاکمیت شرکتی در نظام بانکی ایران: چالش‌ها و انتظارات، مجله روند (روند پژوهش‌های اقتصادی) زمستان، دوره ۲۱، ش: ۶۸، ۱۳۹۳.
- ۲۶) وکیلی فرد، حمیدرضا، گودرزی، احمد؛ راهبری شرکتی در بانک‌ها، مجله حسابرسی شماره ۴۴-۴۵، ۱۳۸۸.